



سپس مدیر جلسه، دکتر جلال خالقی مطلق سخنان خود را با قدردانی از مرکز پژوهشی میراث مکتوب برای برگزاری این نشست آغاز کرد. وی در ادامه ضمن نقل خاطراتی از مرحوم ریاحی، کتاب سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی وی را از جمله بهترین کتابهای او دانست و گفت: این اثر ما را با عقاید مختلف ایرانیان از فردوسی و شاهنامه آشنا می‌کند. خالقی مطلق در ادامه ایران دوستی عمیق ریاحی را ستود.

خالقی مطلق در ادامه ضمن اشاره به برخی مقالات دکتر امیدسالار در خصوص زبان و ادب فارسی و شاهنامه، وی را شخصیتی منعطف و منطقی در پذیرش و بررسی عقاید مخالف خواند، و در ادامه از او برای آغاز سخنرانی دعوت نمود.

امیدسالار سخنانش را با این مطلب آغاز کرد که توجه به تغییراتی که در امر تصحیح معلول لهجه و گویش کاتب است امری ضروری است و از شرایط تشخیص صحیح از سقیم در تصحیح متن شمرده می‌شود؛ اما برخی خصوصیات زبان فارسی حوزه تأثیر لهجه کاتب را در متونی که به این زبان استنساخ شده‌اند، تا حد

هفتاد و دومین نشست از سلسله نشستهای مرکز پژوهشی میراث مکتوب عصر روز دوشنبه ۸۸/۳/۱۱ با موضوع «نقش گویش در تصحیح متن» برگزار شد. دکتر محمود امیدسالار در این جلسه بود که مدیریت آن را دکتر جلال خالقی مطلق بر عهده داشت به ایراد سخن پرداخت.

پیش از شروع جلسه، رئیس مرکز، دکتر اکبر ایرانی، ضمن خیر مقدم، سخنان خود را با تجدید یاد و خاطره مرحوم دکتر محمدامین ریاحی آغاز کرد. ایرانی، ریاحی را از زمره آخرین شاگردان بهار و فروزانفر در فرهنگ و ادب ایران خواند که مقارن با سالروز فردوسی حکیم دار فانی را وداع گفت. رئیس مرکز همچنین به نقش ارزشمند ریاحی در انتقال تصاویر نسخ خطی از ترکیه به ایران — در دورانی که نماینده فرهنگی ایران در ترکیه بود — همچنین تألیف و تحقیق پیرامون شاهنامه فردوسی — در دوره‌ای که بعد از مرحوم مینوی مدیر بنیاد شاهنامه بود — اشاره کرد و گفت: مرحوم ریاحی به تصحیح شاهنامه بسیار علاقه‌مند بود و تصمیم داشت چنین کاری را انجام دهد ولی پس از آگاهی از کار دکتر خالقی منصرف شد.

زیادی محدود می‌کند. به نظر امیدسالار، توجه بیش از حد به این مسئله و گسترده کردن دایرهٔ مصداقهای آن امری است که از غرب وام گرفته شده و این در حالی است که میزان گستردگی این فرضیه بستگی به تاریخچه و اقتضای زبانی هر ملتی دارد.

امیدسالار گفت که با توجه به صور گوناگون گویشی را در تصحیح و مخصوصاً توضیح متن لازم می‌داند، اما بخواهیم توجه به صور گویشی را به صورت صحیحی در تصحیح متون فارسی به کار ببریم، باید آن را مطابق شرایط تاریخی و اجتماعی زبان و فرهنگ خودمان تغییر دهیم.

دکتر امیدسالار در توضیح بیشتر نظریهٔ خود گفت: عبارات و کلماتی که در زبان فارسی هزار سال است تغییر زیادی نکرده‌اند، در مناطق گوناگون انگلستان تا قرن نهم هجری به صور بسیار گوناگون نوشته می‌شدند. این تنوع در کتابت به سبب غیاب یک زبان واحد اداری بود. حال اگر این تغییرات اساسی زبان انگلیسی میانه را با تغییرات جزئی که در رسم الخط برخی نسخ فارسی دیده می‌شود مقایسه کنیم می‌بینیم که اختلاف کتابت در فارسی بسیار اندک است. بنابراین اگر غریبه‌ها معتقدند که در هنگام تصحیح باید به صور گویشی زبان کتابت توجه داشت، با در نظر گرفتن تاریخ تکامل زبان و کتابت در اروپای غربی، چنین نظری را مطرح می‌کنند؛ اما چون تکامل زبان کتابت در ایران سرنوشتی و پیشینه‌ای کاملاً مغایر با وضع آن در مغرب زمین داشته است نمی‌شود تئوریهای غربی را در این مورد عیناً به زبان فارسی نیز تعمیم داد.

وی سپس به تطورات زبان انگلیسی در ادوار تاریخی گوناگون اشاره کرد و این تغییرات را در قیاس با تغییرات زبان فارسی حیرت‌انگیز دانست و گفت: وضع زبان انگلیسی با زبان فارسی قابل قیاس نیست و این تغییرات تا حدی است که انگلیسی باستان با انگلیسی مدرن تفاوتی عظیم دارد، تا جایی که قطعه شعری که در ۱۰ قرن قبل سروده شده برای انگلیسی‌زبانان امروزی قابل فهم نیست در حالی که هر ایرانی که اندک سوادى داشته باشد قادرست بیشتر اشعار فردوسی را بفهمد. وی این مسئله را از آن رو دانست که فارسی ادبی در فرهنگ ایرانی به زودی زبان معیار شد و برخلاف زبان انگلیسی تثبیت گردید.

امیدسالار سنت کتابت در میان مسلمین را برخلاف اروپائیان بسیار قوی دانست و گفت: از این گذشته، مسلمین همیشه میان ادب عوام که ادبی شفاهی بوده و هست، و ادب خواص که ادبی است کتبی، فرق می‌نهادند. بنابراین، ایشان ناچار بوده‌اند که فرق شعر و نثر را با فواصلی که در کتابت میان اجزاء شعر، یعنی ابیات و مصاریع و بندها قرار می‌داده‌اند معین سازند. این نکته حتی در قدیم‌ترین دستنویسهای فارسی و عربی مراعات شده است.



وی در پایان گفت: من برخلاف نظر دکتر رواقی معتمد توجه به گویش‌ها از نظر شیوهٔ تصحیح متون کهن اهمیت چندانی ندارد، هر چند از نظر لغت‌شناسی و تحقیقات واژگانی بسیار مفیدست.

پس از پایان سخنان دکتر امیدسالار، دکتر خالقی مطلق با تأیید سخنان وی، بر ناچیز بودن نفوذ واژه‌های گویشی در زبان معیار مثل شاهنامه تأکید کرد. وی هم‌چنین به بیان این نکته پرداخت که چون ما فارسی‌زبانان در زبان فارسی مصوتها را بر روی کلمات اعمال نمی‌کنیم این امکان وجود دارد که کلمات به صورتهای مختلف خوانده شوند؛ بنابراین بحث بر سر این نیست که این کلمه گویشی است یا نه بلکه تفاوت تنها در نحوهٔ گذاردن مصوتهاست؛ به عنوان مثال «دانشمند» و «دانشومند» تنها یک تحول زبانی است و ارتباطی به گویش ندارد. وی هم‌چنین به برخی ضروریات شعری همچون «بدتر» و «بتر» اشاره کرد و گفت این تغییرات نیز به ضرورت وزن اشعار پدید می‌آید و باز ربطی به گویش ندارد. وی افزود: می‌توان گویش کاتبان در شاهنامه نیز مورد بررسی قرار گیرد ولی مطمئناً این بررسی از حد یک مقاله تجاوز نمی‌کند.

در پایان جلسه، به سؤالات حاضران پاسخ داده شد. ■

